

روش‌های اندازه‌گیری محافظه‌کاری

دکتر ساسان مهرانی
مهدی محمدآبادی

مقدمه

محافظه‌کاری از ویژگی‌های بارز گزارشگری مالی است (Kim&Jung, 2007) که به نظر واتز (Watts, 2003) و حداقل از ابتدای قرن بیستم تاکنون، کیفیتی چشمگیر و غالب در عرصه حسابداری و گزارشگری مالی بوده است. توجه پیوسته و مستمر به مفهوم مزبور و اهمیت دادن به آن در تدوین استانداردهای حسابداری، می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که به کارگیری و اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه از ویژگی فزونی منافع بر مخارج برخوردار است.

مدت‌هاست که بر کمی کردن ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری تاکید شده و می‌شود، اما تاکنون کوشش چندانی برای بررسی منافع و مضار حاصل از اعمال محافظه‌کاری انجام نگردیده است. این گفته نه تنها در مورد محافظه‌کاری، بلکه در مورد دیگر ویژگی‌های کیفی حاکم بر گزارشگری مالی هم صادق است و علاوه بر ایران، دیگر کشورها را هم دربر می‌گیرد. به تازگی، برخی از محققین در راستای کمی‌سازی ویژگی‌های کیفی مانند اهمیت، قابلیت اتکا و قابلیت مقایسه، پژوهش‌هایی را به انجام رسانده‌اند (Givoly et al., 2007). درخصوص کمی کردن محافظه‌کاری نیز اخیراً تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته است. مقاله حاضر درصدد بررسی ادبیات موجود درخصوص روش‌های اندازه‌گیری محافظه‌کاری است. در ادامه، پس از بیان چند تعریف از این مفهوم، به بررسی روش‌های اندازه‌گیری آن می‌پردازیم.

تعاریف محافظه‌کاری

در بیانیه مفاهیم شماره ۲ هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، محافظه‌کاری این‌گونه تعریف شده است: "شان دادن واکنش محتاطانه به وجود ابهام به‌منظور ایجاد اطمینان خاطر از اینکه ابهام و خطرات احتمالی همراه با آن، در حد کافی مورد توجه واقع شده‌اند" (FASB, 1980). هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، محافظه‌کاری را جزء ویژگی‌های کیفی یا زیرمجموعه ویژگی‌های کیفی تعریف و طبقه‌بندی نکرده است، در حالی که در بند ۱۸ فصل دوم مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، محافظه‌کاری (احتیاط) به‌عنوان یک زیرویژگی کیفی برای قابلیت اتکا، این‌گونه تعریف شده است: "احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است، به‌گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود. نمونه‌ای از ابهامات پیش‌گفته عبارتند از قابلیت وصول مطالبات، عمر مفید احتمالی دارایی‌های ثابت مشهود و تعداد و میزان ادعاهای احتمالی مربوط به ضمانت کالای فروش رفته. چنین مواردی با رعایت احتیاط در تهیه صورت‌های مالی و همراه با افشای ماهیت و میزان آنها شناسایی می‌شود." (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱).

از نظر گیولی و هاین (Givoly&Hayn, 2000)، محافظه‌کاری عبارت است از انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم‌اطمینان که در نهایت به ارائه کمترین دارایی‌ها و درآمدها بیانجامد و کمترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. ولک (Wolk et al., 2004) و همکاران محافظه‌کاری را این‌گونه تعریف می‌کنند: "محافظه‌کاری یعنی شناسایی هرچه کندتر سودها و ارزشیابی هرچه کمتر دارایی‌ها." کیم و ژانگ (Kim&Jung, 2000) معتقدند که محافظه‌کاری یعنی شناسایی تمام زیان‌های بالقوه و شناسایی نکردن سودهای محتمل. باسو (Basu, 1997)، استفاده از درجات بالاتر قابلیت اتکا برای شناسایی و ثبت سودها و اخبار خوشایند (افزایش ارزش‌ها) و در مقابل، استفاده از درجات پایین‌تر قابلیت اتکا برای شناسایی و ثبت زیان‌ها و اخبار ناخوشایند (کاهش ارزش‌ها) را محافظه‌کاری نامیده است. کم‌نمایی پیوسته ارزش دفتری خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش بازار آنها، از دیگر تعاریف محافظه‌کاری است (Ahmed et al., 2002). کاربردهای عملی فراوانی برای محافظه‌کاری وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از به‌کارگیری قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزشیابی موجودی‌ها، عدم شناسایی سرقتی و دیگر دارایی‌های نامشهودی که در داخل واحد تجاری ایجاد شده‌اند، به‌حساب هزینه منظور کردن مخارج تحقیق و توسعه، شناسایی و گزارش مخارج قبل از بهره‌برداری به‌عنوان هزینه نه دارایی و

روش‌ها و مدل‌های استفاده شده برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری

خوشبختانه به‌تازگی پژوهش‌هایی درخصوص کمی کردن ویژگی‌های کیفی و سنجش تاثیر آنها بر تصمیم‌های استفاده‌کنندگان صورت‌های

مالی انجام شده است. محافظه‌کاری نیز از این قاعده مستثنی نیست. پس از واتز (۱۹۹۳)، باسو (۱۹۹۷) پیشگام انجام تحقیقات در مورد محافظه‌کاری در دهه اخیر بوده و اولین پژوهش مطرح در این مورد را به‌انجام رسانده که حاصل آن، ارائه مدلی برای بررسی میزان محافظه‌کاری اعمال شده در تهیه صورت‌های مالی بوده است. مدلی که او به‌کار برد، دارای دو متغیر اصلی است. این متغیرها عبارتند از سود حسابداری و بازده سهام. در تحقیقات حسابداری با رویکرد بازار سرمایه، استفاده فراوانی از این متغیرها می‌شود و اغلب، بازده متغیر وابسته و سود حسابداری، متغیر مستقل است. با این حال، باسو (۱۹۹۷) رویه خاص خود را به‌کار برده و سود حسابداری را متغیر وابسته قلمداد کرده است. **دیگان** (Deegan, 2006) اشاره می‌کند که در برخی تحقیقات با رویکرد بازار سرمایه، این رویه معمول است.

خوشبختانه به تازگی

پژوهش‌هایی

در خصوص کمی کردن

ویژگی‌های کیفی

و

سنجش تأثیر آنها بر

تصمیم‌های

استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی

انجام شده است

سود، برابری است که حسابداری از تغییر ثروت سهامداران طی سال مالی به‌عمل می‌آورد. در حالی که بازده، برابری است که بازار از میزان تغییر ثروت سهامداران طی سال مالی به‌دست می‌دهد (Gregoriou & Skerratt, 2007). از این منظر، هر چند سود و بازده هر دو معیاری برای سنجش یک موضوع مشابه، یعنی میزان تغییر در ثروت سهامداران هستند، اما تفاوت‌هایی نیز بین آنها وجود دارد. یک تفاوت مهم، نحوه برخورد آنها با آثار رویدادهایی است که دامنه تأثیر آنها دوره‌های آینده را نیز دربر می‌گیرد. (Gregoriou & Skerratt, 2007). همان‌طور که در فرضیه بازار کارا مطرح می‌شود، قیمت و بازده سهام، منعکس‌کننده تمام اخبار و اطلاعات موجود است. به بیان دیگر، بازده سهام منعکس‌کننده هم اخبار خوب و هم اخبار ناخوشایند می‌باشد. تمام اخبار و اطلاعات موجود بدون این که تفاوتی بین آنها وجود داشته باشد، در بازده سهام منعکس می‌شوند. این در حالی است که در محاسبه و گزارش سود حسابداری، درجات بالاتری از قابلیت اتکا برای شناسایی سودها و اخبار خوشایند در برابر زیان‌ها و اخبار ناخوشایند لازم است (Basu, 1997). تفاوتی که بین سود و بازده از لحاظ انعکاس آثار رویدادهای مختلف به‌شرح پیشگفته وجود دارد، زمینه مناسبی را

برای سنجش محافظه‌کاری فراهم می‌آورد. زیان‌ها و اخبار ناخوشایند، هم در سود و هم در بازده دوره جاری منعکس می‌شوند، در حالی که برخی افزایش‌ها در ارزش دارایی‌ها و برخی درآمدها بدون انعکاس در سود حسابداری، فقط در بازده منعکس می‌شوند. سود حسابداری، شناسایی این درآمدها یا افزایش‌ها را به دوره‌های آینده موکول می‌کند، در حالی که بازده سهام آثار آنها را در دوره جاری لحاظ می‌دارد. برای مثال، اگر یک واحد تجاری پروژه‌ای را با ارزش فعلی خالص مثبت آغاز نماید، قیمت و بازده سهام واحد تجاری به سبب اجرای این پروژه افزایش خواهد یافت، زیرا بازار مطلع شده که ارزش واحد تجاری افزایش یافته است. اما سود حسابداری، هیچ‌گاه ارزش فعلی خالص مثبت این پروژه را منعکس نمی‌سازد.

در مدل باسو (۱۹۹۷)، محافظه‌کاری به‌معنای شناسایی و انعکاس سریع‌تر اخبار ناخوشایند (کاهش ارزش دارایی‌ها) نسبت به اخبار خوشایند (افزایش ارزش دارایی‌ها و درآمدها) می‌باشد. او بازده سهام را به‌عنوان شاخصی برای تعیین نوع اخبار موجود پیرامون واحد تجاری به‌کار برد، زیرا بازده سهام اطلاعاتی را که بازار دریافت کرده، منعکس می‌سازد و این اطلاعات نه‌تنها از محل سود حسابداری، بلکه از منابع مختلفی تأمین می‌شود.

با توجه به توضیحات فوق، می‌توان انتظار داشت که بین سود حسابداری و بازده‌های منفی در قیاس با بازده‌های مثبت، ارتباط قوی‌تری وجود داشته باشد. زیرا سود حسابداری هم‌زمان با بازده‌های منفی، اخبار ناخوشایند را منعکس می‌سازد، ولی برخلاف بازده‌های مثبت، شناسایی و انعکاس اخبار خوشایند را تا حدی به دوره‌های آینده موکول می‌کند. باسو (۱۹۹۷) برای آزمون این فرضیه، مدل ذیل را به‌کار برد:

$$E_{it}/P_{it-1} = a_{it} + \beta R_{it} + \eta DR_{it} + \gamma R_{it} DR_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

سود قبل از اقلام غیرمترقبه

ارزش بازار سرمایه در ابتدای دوره

بازده سالانه سهام

اگر بازده سالانه منفی باشد، مقدار آن برابر یک و در غیر این صورت، صفر منظور می‌شود. اگر مقدار صفر برای آن منظور شود، رابطه (۱) معادل خواهد بود با:

$$E_{it}/P_{it-1} = a_{it} + \beta R_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1-1)$$

و اگر مقدار یک برای آن منظور شود، رابطه (۱) تبدیل خواهد شد به:

$$E_{it}/P_{it-1} = (a_{it} + \eta) + (\beta + \gamma) R_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2-1)$$

پاسخ و واکنش سود به بازده مثبت را اندازه‌گیری می‌کند. $\beta =$

پاسخ و واکنش سود به بازده منفی را اندازه‌گیری می‌کند. $\gamma + \beta =$

محافظه‌کاری یعنی اینکه $\beta < \gamma + \beta$ یا به عبارت دیگر، $\gamma > 0$ باشد. باسو، γ را **پاسخ یا واکنش نامتقارن سود** می‌نامد. ضرایب حاصل از این مدل، نشان‌گر میانگین تفاوت در سرعت شناسایی سودها در برابر زیان‌ها هستند. برای محاسبه ضرایب، این مدل در بازه زمانی ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۰ به سه شکل تخمین زده شده است: برای مجموع مشاهدات (سال شرکت‌ها)، برای هر سال و برای هر شرکت. باسو (۱۹۹۷) نشان داد که در هر یک از تخمین‌های فوق، γ به‌صورت معنی‌داری مثبت و نشان‌گر وجود محافظه‌کاری است. پس از باسو (۱۹۹۷)، دیگر محققان نیز از این مدل استفاده کردند. به‌رغم کاربرد

سود

برآوردی است که

حسابداری

از تغییر ثروت سهامداران

طی سال مالی

به عمل می‌آورد

در حالی که بازده

برآوردی است که

بازار از میزان

تغییر ثروت سهامداران

طی سال مالی

به دست می‌دهد

جریان‌های نقدی برای تخمین مدل باسو (۱۹۹۷) و مشاهده ضرایب معنی‌دار، استدلال می‌کنند که ممکن است مدل باسو (۱۹۹۷) نشان‌دهنده وجود محافظه‌کاری باشد، در حالی که واقعاً چنین نیست. بررسی آنها نشان می‌دهد که این امر ممکن است به خاطر تأثیر بازده‌های کوچک و نزدیک به صفر باشد. به همین دلیل، آنها توصیه می‌کنند که در صورت وجود چنین بازده‌هایی، از آنها برای تخمین مدل باسو (۱۹۹۷) استفاده نشود.

پس از باسو (۱۹۹۷)، گیولی و هاین (۲۰۰۰) به بررسی سیر تاریخی محافظه‌کاری پرداختند تا بدین سوال پاسخ دهند که آیا گزارشگری مالی، محافظه‌کارانه‌تر شده است یا نه؟ آنها یک دوره ۵۰ ساله، یعنی فاصله زمانی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ میلادی را بررسی نموده و با به‌کارگیری چند معیار برای اندازه‌گیری و سنجش محافظه‌کاری، دریافتند که در طول نیم قرن، گزارش‌های مالی به‌شدت متأثر از محافظه‌کاری بوده‌اند. گیولی و هاین (۲۰۰۰) با تکیه بر یک تعریف خاص، اقلام تعهدی غیرعملیاتی (اختیاری) را برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری به کار گرفتند. بنابر تعریف مذکور، محافظه‌کاری زمانی در شناسایی و گزارش رویدادهای مالی اعمال می‌شود که نخست، مدیریت با ابهام و نبود اطمینان مواجه بوده و ناگزیر از انتخاب یک گزینه از بین دو یا چند گزینه باشد و دوم، روشی انتخاب و اجرا شود که به کمترین مقدار ممکن برای سود انباشته بیانجامد. گیولی و هاین (۲۰۰۰) به این دلیل از اقلام تعهدی و اختیاری (غیرعملیاتی) استفاده می‌کنند که از یک سو حسابداری تعهدی مجرای برای اعمال محافظه‌کاری است و از دیگر سو، اعمال اختیار از جانب مدیران در شرایط نبود اطمینان، زمینه پیدایش محافظه‌کاری را فراهم می‌آورد. جمع اقلام تعهدی و اقلام تعهدی اختیاری (غیرعملیاتی) این‌گونه محاسبه می‌شود:

$$ACC_{it} = (NI_{it} + DEP_{it}) - CFO_{it} \quad (2)$$

$$OACC_{it} = \Delta (AR_{it} + I_{it} + PE_{it}) - \Delta (AP_{it} + TP_{it}) \quad (3)$$

$$NOACC_{it} = ACC_{it} - OACC_{it} \quad (4)$$

جمع اقلام تعهدی = ACC

سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه = NI

هزینه‌های استهلاک = DEP

جریان نقدی عملیاتی = CFO

اقلام تعهدی عملیاتی = OACC

حساب‌های دریافتی = AR

موجودی‌های مواد و کالا = I

پیش‌پرداخت هزینه‌ها = PE

حساب‌های پرداختی = AP

مالیات‌های پرداختی = TP

اقلام تعهدی غیرعملیاتی = NOACC

اقلام تعهدی غیرعملیاتی، شامل مقادیری است که از برآوردها و قضاوت‌های مدیریت تأثیر می‌پذیرند. برای مثال، می‌توان به ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، افزایش هزینه‌ها که ناشی از تغییر برآوردهاست، سودوزیان فروش دارایی‌ها، زیان کاهش ارزش موجودی‌ها و دارایی‌های ثابت و اقلام انتقالی به دوره‌های آینده اشاره کرد. یافته‌های گیولی و هاین (۲۰۰۰) حاکی از آن بود که با گذشت هر سال، اقلام تعهدی غیرعملیاتی

گسترده مدل باسو، انتقاداتی بر مدل او وارد شده است که در ادامه به مرور آنها می‌پردازیم. **رویچادوری و واتز** (Roychowdhury & Watts, 2007)، بیان می‌دارند که به‌کارگیری سودها و بازده‌های سالانه برای تخمین مدل باسو (۱۹۹۷)، سبب می‌شود تا آثار پیوسته، مستمر و انباشته محافظه‌کاری مغفول واقع شود و یک اندازه‌گیری ناپیوسته از آن انجام گیرد. آنها پیشنهاد می‌کنند که برای حل این مشکل، به‌جای سود حسابداری از نسبت ارزش بازار خالص دارایی‌های تفکیک‌پذیر به ارزش دفتری خالص دارایی‌های تفکیک‌پذیر استفاده شود. از آنجا که این پیشنهاد در عمل قابل اجرا نیست، رویچادوری و واتز (۲۰۰۷) به استفاده از نسبت ارزش بازار خالص دارایی‌ها به ارزش دفتری آنها روی آوردند.

از منظر **گریگوریو و اسکرات** (Gregoriou & Skerratt, 2007)، به‌کارگیری حسابداری تعهدی زمینه را برای اعمال محافظه‌کاری فراهم می‌آورد. برای مثال، کاربرد محافظه‌کاری ایجاب می‌کند که برای موجودی کالا یا سرمایه‌گذاری‌ها، ذخیره و زیان کاهش ارزش شناسایی شود. هر چند شناسایی این‌گونه زیان‌ها و ذخایر مرتبط با آنها سبب کاهش سود حسابداری می‌گردد، اما تأثیری بر جریان‌های نقدی ندارد. پس به‌صورت طبیعی اقلام و جریان‌های نقدی نباید از اعمال محافظه‌کاری تأثیر پذیرند. با این توضیحات، منطقی است که فرض کنیم در صورت استفاده از جریان‌های نقدی در مدل باسو (۱۹۹۷)، نباید ضرایبی به‌زرگی و معنی‌داری ضرایبی که در صورت استفاده از سود یا اقلام تعهدی حاصل می‌شوند، به‌دست آید. **گریگوریو و اسکرات** (۲۰۰۷) با به‌کارگیری

مدت‌هاست که

بر کمی کردن

ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری

تأکید شده و می‌شود

اما تاکنون

بررسی چندانی برای

بررسی منافع و مضار

حاصل از اعمال محافظه‌کاری

انجام نگردیده است

حسابداری تعهدی مجرای برای اعمال محافظه‌کاری فراهم می‌آورد، استدلال می‌کند که توزیع سود به عنوان یک متغیر تصادفی، باید نسبت به توزیع جریان‌های نقدی چولگی بیشتری داشته‌باشد. آنها سود و جریان نقدی عملیاتی هر سال را بر جمع دارایی‌ها تقسیم کرده و توزیع این دو متغیر تصادفی را برای شرکت‌های مشخص در یک مقطع زمانی و نیز برای یک شرکت در چند دوره زمانی، بررسی کردند. بررسی آنها نشان داد که توزیع سود، چولگی منفی‌تری نسبت به توزیع جریان‌های نقدی دارد. دلیل این امر از منظر گیولی و هاین (۲۰۰۰)، آن است که سود حسابداری به انعکاس اخبار خوشایند و افزایش ارزش دارایی‌ها نمی‌پردازد، ولی زیان‌ها را از طریق ارقام تعهدی به سرعت شناسایی می‌کند. شناسایی این زیان‌ها، همچون زیان کاهش ارزش موجودی‌ها، تأثیری بر وجه نقد حاصل از عملیات ندارد و همین امر سبب می‌شود تا توزیع سود حسابداری نسبت به توزیع جریان‌های نقدی عملیاتی، چولگی منفی‌تری داشته‌باشد.

گیولی و هاین (۲۰۰۰) به پیروی از بیور و رایان (Beaver&Ryan, 2000)، از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها نیز استفاده کردند. بیور و رایان (۲۰۰۰) بیان می‌دارند که غیرممکن است نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها برابر یک باشد. از منظر آنان، اختلاف ارزش‌های بازار و دفتری را می‌توان به دو بخش دائمی و موقت تقسیم کرد. هر دو بخش به نوعی از اعمال محافظه‌کاری سرچشمه می‌گیرند. بخش دائمی، ناشی از اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه برای اندازه‌گیری و شناخت اولیه ارقام در صورت‌های مالی است. به سبب وجود این رویه‌های محافظه‌کارانه، ارزش‌های دفتری همواره کمتر از ارزش‌های بازار هستند. از جمله این رویه‌ها، می‌توان به شناسایی مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه و نه یک دارایی، اشاره کرد. در حالی که بازار به منافع آینده این گونه مخارج ارزش‌هایی را اختصاص می‌دهد، ترازنامه واحد تجاری به انعکاس آنها نمی‌پردازد. بخش موقت نیز ناشی از برخوردهای محافظه‌کارانه در دوره‌هایی پس از شناخت اولیه ارقام دارایی و بدهی است. در دوره‌های مزبور، با در دسترس قرار

نسبت به سال قبل به صورت معنی‌داری منفی‌تر (کوچک‌تر) شده‌اند. براین اساس، آنان نتیجه گرفتند که با گذشت زمان، محافظه‌کاری بیشتر شده است. این بدان معناست که در طول زمان، مدیران روش‌هایی را انتخاب کرده‌اند که به حداقل شدن سود انباشته منجر شده است. این معیار، توسط پائیک و همکاران (Paek et al., 2007)، گیولی و همکاران (۲۰۰۷)، و نیز باتاچاریا و همکاران (Battacharya et al., 2003) استفاده شده است. یکی دیگر از شاخص‌های معرفی شده توسط گیولی و هاین (۲۰۰۰)، چولگی منفی سود و جریان‌های نقدی است. آنان با توجه به این که



در ایران و در سطح جهان اغلب استانداردهای حسابداری حاوی الزاماتی برای به کارگیری رویه‌های محافظه کارانه هستند گنجاندن چنین الزاماتی در متن استانداردها بیش از هر چیز ناشی از توجه به ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی است

گرفتن اطلاعات جدید، زیان‌ها و کاهش ارزش‌ها به سرعت شناسایی می‌شوند، ولی افزایش ارزش‌ها منعکس نمی‌شود. در واقع، شناسایی افزایش ارزش خالص دارایی‌ها به آینده موکول می‌شود. بدین ترتیب و تا زمانی که شواهد قابل اتکایی از افزایش ارزش خالص دارایی‌ها فراهم شود، ارزش دفتری خالص دارایی‌ها از ارزش بازار آنها کمتر خواهد بود. با در دسترس قرار گرفتن شواهد مزبور و انعکاس افزایش ارزش در مبالغ دفتری، اختلاف بین ارزش‌های بازار و ارزش‌های دفتری به کمترین مقدار ممکن خواهد رسید. بیور و رایان (۲۰۰۰) در ابتدا بخش‌های موقت و دائمی را به ترتیب **تاخیر و سوگیری حسابداری**^۲ نامیدند و سپس در سال ۲۰۰۵، دو اصطلاح **محافظه کاری شرطی**^۳ و **غیرشرطی**^۴ را برای اشاره به بخش‌های موقت و دائمی به کار گرفتند.

پائیک و همکاران (۲۰۰۷) و باسو (۱۹۹۷)، در پژوهش‌های خود معیار دیگری را برای بررسی وجود محافظه کاری به کار می‌برند. از منظر پائیک و همکاران (۲۰۰۷)، احتمال تکرار تغییرات مثبت سود برای چند دوره، بیشتر از احتمال تکرار تغییرات منفی سود برای چند دوره است. زیرا به کارگیری رویه‌های حسابداری محافظه کارانه، سبب می‌گردد تا شناسایی زیان‌ها به سرعت و در دوره جاری صورت گیرد، ولی شناسایی و انعکاس سودهای احتمالی به تدریج و طی چند دوره انجام شود. باسو (۱۹۹۷) معتقد است که به موقع بودن و استمرار (پایداری)، دو جنبه متضاد در گزارشگری مالی هستند که بین آنها نوعی توازن وجود دارد. برای مثال، چنانچه تمام واقعیت‌های موجود و همه جنبه‌های یک رویداد در دوره جاری گزارش شوند، اطلاعات ارزشمند و مربوط دیگری برای گزارش در دوره‌های آینده باقی نخواهد ماند. این بدان معناست که بین به موقع بودن گزارشگری و گزارش مستمر یک قلم، رابطه عکس وجود دارد. از آنجا که محافظه کاری را می‌توان گزارشگری به موقع و زود هنگام زیان‌ها و کاهش‌های رخ داده در سود دانست، می‌توان پیش‌بینی کرد که گزارش کاهش در سود، استمرار نداشته باشد. از دیگر سو، اگر محافظه کاری را به معنای گزارشگری دیرهنگام افزایش‌های رخ داده در سود بدانیم، می‌توان پیش‌بینی کرد که گزارش افزایش در سود، استمرار داشته باشد. برای آزمون این پیش‌بینی‌ها، محققینی چون باسو (۷۹۹۱) و پائیک و همکاران (۷۰۰۲) مدل زیر را برای داده‌های ۲۰ سال هر شرکت تخمین می‌زنند تا دریابند که آیا در طول زمان، شرکت رویه‌های محافظه کارانه را در گزارشگری مالی اعمال کرده است یا خیر:

$$\Delta OI_t = d_{it} + d_{it} DOI_{t-1} + d_{it} \Delta OI_{t-1} + d_{it} DOI_{t-1} \Delta OI_{t-1} \quad (5)$$

تغییر در سود عملیاتی سال t که بر ارزش بازار خالص دارایی‌ها در اول دوره تقسیم شده است،

تغییر در سود عملیاتی سال $t-1$ که بر ارزش بازار خالص دارایی‌ها در اول دوره تقسیم شده است،

متغیر موهومی است که اگر تغییر در سود عملیاتی سال $t-1$ مثبت بوده باشد، مقدار صفر و اگر منفی بوده باشد، مقدار یک را به خود می‌گیرد.

با توجه به توضیحات بالا، انتظار می‌رود که d_{it} منفی باشد. زیرا محافظه کاری به معنای شناسایی کل زیان در دوره جاری و از دیگر سو، شناسایی تدریجی سودهای احتمالی است.

خان و واتز (Khan & Watts, 2007) از دیگر محققینی هستند که به ابداع روشی برای اندازه‌گیری محافظه کاری پرداخته‌اند. از منظر آنان، محافظه کاری تابعی است از میزان اهرم، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها و اندازه واحد تجاری. برای محاسبه میزان محافظه کاری اعمال شده در صورت‌های مالی یک شرکت در یک سال خاص، آنها سه متغیر پیش‌گفته را در مدل باسو (۱۹۹۷) جایگزین کرده و مدل مزبور را برای هر سال تخمین می‌زنند. سپس با کمک سه متغیر مزبور و با استفاده از ضرایب حاصل از تخمین سالانه مدل، به محاسبه شاخصی کمی برای محافظه کاری می‌پردازند. مقادیر بالاتر این شاخص، نشان‌گر سطوح بالاتر محافظه کاری هستند. مدل‌های استفاده شده توسط خان و واتز (۲۰۰۷)، به شرح ذیل می‌باشند.

$$E_{it}/P_{it-1} = a_{it} + \beta R_{it} + \eta DR_{it} + \gamma R_{it} DR_{it} + \varepsilon_{it} \quad (6)$$

$$E_{it}/P_{it-1} = a_{it} + (\mu_1 + \mu_2 SIZE_{it} + \mu_3 M/B_{it} + \mu_4 LEV_{it}) R_{it} + \eta DR_{it} \quad (7)$$

$$C_{it} = \lambda_1 + \lambda_2 SIZE_{it} + \lambda_3 M/B_{it} + \lambda_4 LEV_{it} \quad (8)$$

خان و واتز (۲۰۰۷) ابتدا در معادله (۶) به جای β و γ عباراتی برحسب اهرم، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها و اندازه واحد تجاری جایگزین کرده و سپس ضرایب (۷) را با تخمین معادله (۷) برای داده‌های سالانه به دست می‌آورند. آن‌گاه با استفاده از داده‌های همان سال واحد تجاری، به محاسبه معادله (۸) می‌پردازند. خروجی معادله (۸)،

Reducing Debt Costs, The Accounting Review 77, 2002, 867-890

✓ Basu, S., **The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings**, Journal of Accounting and Economics, 24, 1997, 3-37

✓ Battacharya, U., H. Daouk and M. Welker, **The World Price of Earnings Opacity**, The Accounting Review, 78(3), 2003, 641-678

✓ Beaver, W. and S. Ryan, **Biases and Lags in Book Value and Their Effects on the Ability of the Book-to-Market Ratio to Predict Book Return on Equity**, Journal of Accounting Research, 38, 2000, 127-148

✓ Beaver, W. and S. Ryan, **Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling**, Review of Accounting Studies 10, 2005, 269-309

✓ Deegan, C., **Financial Accounting Theory**, McGraw-Hill, 2006

✓ Financial Accounting Standards Board (FASB), **Statement of Financial Accounting Concepts No. 2, Qualitative Characteristics of Accounting Information**, FASB, Norwalk, CT., 1980

✓ Givoly, D., Hayn, C., **The Changing Time-Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?** Journal of Accounting and Economics 29, 2000, 287-320

✓ Givoly, D., Hayn, C., Natarajan, A., **Measuring Reporting Conservatism**. The Accounting Review, 82(1), 2007, 65-106

✓ Gregoriou, A., Skerratt, L. **Does the Basu Model Really Measure the Conservatism of Earnings?** Working Paper, Brunel Business School, Brunel University, 2007

✓ Khan, M., and R. Watts, **Estimation and Validation of a Firm-Year Measure of Conservatism**, Working Paper, Sloan Scholl, MIT, Cambridge, 2007

✓ Kim, B., Jung, K., **The Influence of Tax Costs on Accounting Conservatism**, Working Paper, Korea Advanced Institute of Science and Technology

✓ Paek, W., Chen, L., and Sami, L., **Accounting Conservatism, Earnings Persistence and Pricing Multiples on Earnings**, Working Paper, Sungkyunkwan University, Arizona State University- West Campus, and Lehigh University, 2007

✓ Roychowdhury, S. and R.L. Watts, **Asymmetric Timeliness of Earnings, Market-to-Book and Conservatism in Financial Reporting**, Journal of Accounting & Economics, 44, 2007, 2-31

✓ Watts, R.L., **A Proposal for Research on Conservatism**, Working Paper, University of Rochester, Rochester (Presented at the AAA Meetings, San Francisco, CA), 1993

✓ Watts, R.L., **Conservatism in Accounting Part K: Explanations and Implications**, Accounting Horizons, 17, 2003, 207-221

✓ Wolk, H.I., Dodd, J.L., Teary, M.G., **Accounting Theory: Conceptual Issues in a Political and Economic Environment**, South-Western, 2004

نتیجه‌گیری، ضرورت انجام تحقیق در مورد محافظه‌کاری

در ایران و در سطح جهان، اغلب استانداردهای حسابداری حاوی الزاماتی برای به‌کارگیری رویه‌های محافظه‌کارانه هستند. گنجاندن چنین الزاماتی در متن استانداردها، بیش از هر چیز ناشی از توجه به ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی است. بحثی که همواره در متون حسابداری مطرح بوده، آن است که آیا توجه به قابلیت اتکا، باعث نمی‌شود تا از مربوط بودن اطلاعات کاسته شود؟ آیا هزینه‌های اعمال محافظه‌کاری، بیش از منافع آن است؟ برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی از این دست، لازم است تا تحقیقاتی درخصوص محافظه‌کاری و آثار آن انجام شود. بدیهی است که پیش‌نیاز این امر، ابداع روش‌هایی برای کمی ساختن این مفهوم و اندازه‌گیری مقدار آن است. برخی از این روش‌ها، در قسمت قبل تشریح شد. در این قسمت، نتایج دو مورد از این تحقیقات را به‌صورت خلاصه مرور می‌کنیم. پائیک و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که تصویب استانداردهای حسابداری حاوی رویه‌های محافظه‌کارانه، متضمن هزینه‌هایی برای بازار سرمایه است. این استانداردها پایداری و قابلیت پیش‌بینی سود را کاهش داده و سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه را از مسیر تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی منحرف می‌سازند. نتایج چنین تحقیقاتی می‌تواند تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری را در ارزیابی منافع حاصل از تدوین استانداردها و رویه‌های محافظه‌کارانه، یاری رساند. علاوه بر این، یافته‌های این تحقیقات می‌تواند تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی را از تأثیری که قوانین مزبور بر محتوای صورت‌های مالی دارند، آگاه سازد. برای مثال، آیا ممکن است یک واحد تجاری با آگاهی از کاهش میزان مالیات به‌سبب اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه (Kim & Jung, 2007)، اقدام به تهیه صورت سودزبانی نماید که به‌شدت محافظه‌کارانه است و به‌همین دلیل، اطلاعات مندرج در آن فاقد قابلیت پیش‌بینی و غیرقابل اتکا می‌باشند؟

خوشبختانه در کشورمان موضوع محافظه‌کاری مورد توجه محققین قرار گرفته و به‌تازگی پژوهش‌هایی در مورد آن انجام شده است (یا در حال انجام است). امید می‌رود که با غنی‌تر شدن ادبیات رشته حسابداری در این خصوص، پژوهش‌های مزبور بتواند راهگشای مسایل موجود باشد.

پانویس‌ها:

- 1- Asymmetric Timeliness
- 2- Bias and lags in book value
- 3- Conditional conservatism
- 4- Unconditional conservatism

منابع:

- ✓ سازمان حسابرسی، کمیته فنی، استانداردهای حسابداری، نشریه شماره ۱۶۰، ۱۳۸۱
- ✓ Ahmed, A., B. Billings, R. Morton, and M. Stanford-Harris, **The Role of Accounting Conservatism in Mitigating Bondholder-Shareholder Conflicts Over Dividend Policy and in**